درمکتب امام

کوخ‌نشینان

ما مجدداً می گوییم که یک موی سر این کوخ نشینان و شهیدداد گان به همه کاخ و کاخ‌نشینان جهان شرف و برتری دارد.

صحیفه امام؛ ج۲۰؛ ص۳۴۲ | پیام به مسلمین ایران و جهان؛ ۶مرداد۱۳۶۶

مقاله وارده

مذاکره در سایه تهدید جنگ منطقه‌ای

۱- تهدید خیلی صریح؛ قاطع و تردیدناپذیر بود! نه خبری از نرمش قهرمانانه و نه از صبر استراتژیک، و نه سخنی از خویشتنداری بود: «آمریکا بداند ایران محکم ایستاده و این جنگ، جنگ منطقه‌ای خواهد بود، والسلام!». این تهدید یک بمب خبری بود که بلافاصله ترس را به جان ترامپ و تیم و متحدانش، و ولوله‌ای در تمام رسانه‌های خبری از رسانه‌های غربی و عبری و عربی تا فارسی زبان و دیگر رسانه‌های جهان، و نگرانی عمیقی در مواضع مقامات کشورهای منطقه و کشورهای غربی و غیرغربی جهان انداخت و همه را به یک کلیدواژه مشترک رساند که «مواضع رهبر ایران جدی و قاطع است»! لذا اولین تاثیر «تهدید جنگ منطقه‌ای» در مقابل «تهدید اعزام ناو» چاره‌ای برای آمریکا و دنیا و بخصوص کشورهای منطقه و به‌ویژه متحدان آمریکا نگذاشت، جز التماس «مذاکره بازی»! و این التماس بعد از التماس آتش‌بس در جنگ ۱۲ روزه و سپس پذیرش لحظه آخری شروط ایران از جمله غیرمستقیم و فقط هسته‌ای بودن و محل آن در عمان نه در قطر و ترکیه که به نمایندگی از آمریکا پیشنهاد توقف غنی‌سازی سه ساله و یا خارج کردن مواد غنی شـــده موجود را داده بودند، نشان داد که ترامپ و کشورهای منطقه تهدید جنگ منطقه‌ای را از ســـر ترس نه جدی بلکه خیلی جدی گرفتند. چون آمریکا اگر در مقابل تهدید رهبر ایران ناتوان از اجرای سریع و قاطع عملیات نظامی‌اش نبود و ترس از پاسخ متقابل ایران مبنی بر جنگ منطقه‌ای نداشت، همین ژست مذاکره را هم نمی‌گرفت. تمام دنیا پیام مقاومت ملت ایران را به خوبی نظاره‌گر شدند که نه تحریم‌ها و جنگ اقتصادی و نه جنگ ۱۲ روزه و نه آشوب‌ها و نه تهدید ناو آبراهام لینکلن و نه جنگ روانی و شناختی هیچ کدام نتوانست ایران را به پای میز مذاکره بکشاند، بلکه موجب شد تا ایران مقاوم‌تر آرایش صددرصدی جنگی بگیرد و دست به ماشه آماده «جنگ منطقه‌ای» شود و برعکس در نتیجه این تهدید معتبر ایران، این آمریکایی‌ها بودند که به همان میز مذاکره‌ای که با موشک زده بودند، برگشتند و التماس «مذاکره بازی» مجدد کردند! دومین تاثیر این تهدید این بود که ایران در این طرف خلیج‌فارس با رونمایی از شهر موشکی جدید سپاه و موشک بالستیک خرمشهر۴ یا همان خیبر که آمریکایی‌ها خواستار مذاکره درباره آن هستند و با رصد ناو آمریکایی با پهپادهای خود، با آمادگی کامل برای «آتش بازی در خلیج‌فارس» به استقبال «مذاکره بازی» در آن طرف خلیج‌فارس رفت، چون «هم در میدان دیپلماسی، هم در میدان نظامی با دست پُر وارد خواهیم شد». لذا پیام اصلی این آمادگی برای آتش‌بازی این بود که جدی بودن «تهدید منطقه‌ای» جدی‌تر به دنیا مخابره شـــود. سومین پیام «تهدید جنگ منطقه‌ای» تحمیل محاسبات واقع بینانه به دشمن برای دور کردن سایه جنگ از منطقه بود: «ما همه ابزارهای لازم را داریم؛ هر وقت وارد بشویم، با دست پُر وارد خواهیم شد. اینکه جمهوری اسلامی به مراکز مهمّ آمریکا در منطقه دسترسی داشته باشد و هر وقت مقتضی دانست علیه آنها اقدام بکند، این حادثه کوچکی نیست، حادثه بزرگی است، در آینده هم این حادثه قابل تکرار است، هزینه دشمن قطعاً هزینه بالایی خواهد بود». چهارمین پیام، معتبر بودن تهدید و معتبرسازی هرگونه تهدیدی است که تاکنون از سوی نیروهای مسلح ایران صادر شده است. چراکه اولاً از سوی فرمانده عالی کل قوا و عالی‌ترین مقام رسمی کشور صادر شده و سیاست حاکمیت است و ثانیاً از سوی کسی صادر شده که علاوه‌بر رهبری سیاسی، عالی‌ترین رهبر دینی است. این یعنی فتوای جهاد مرجعیت برای منطقه. بدون شک محور مقاومت از ایران تا عراق و لبنان و یمن در وضعیت آماده‌باش کامل هستند، بخصوص فراخوان راهپیمایی میلیونی یمنی‌ها در جمعه گذشته همزمان با مذاکرات در عمان از سوی رهبر انصارالله حاوی پیام‌های مهمی بود که علاوه‌بر اسرائیل و ایالات متحده، متحدانشان در منطقه باید هزینه گزاف و غیرقابل پیش‌بینی را بپردازند. ثالثاً از سوی کسی صادر شده است که دوست و دشمن به خوبی می‌دانند که هرگونه اعلام تصمیمش براساس شجاعت و حکمت و با تسلط کامل بر تحولات منطقه و دنیا و به دور از احساسات، برای حفظ استقلال ایران و عزت مسلمانان محقق خواهد شد. پنجمین پیام این بود که برخلاف گذشته، دستور جنگ در صورت هرگونه خطای آمریکا، از هم اکنون صادر شـــده و نیروهای مســـلح و عمل‌کننده، دیگر منتظر تشکیل شورای عالی امنیت ملی و دستور نیستند، فقط منتظر حماقت ترامپ هستند و پس از شکســـت تمام گزینه‌های آمریکا، حالا دنیا باید گزینه‌های ایران را ببیند. ششمین پیام که مهم‌ترین پیام بود این بود که جمهوری اسلامی برخلاف قاجار و پهلوی که هرات و بحرین و دیگر مناطق ایران را دادند و رفت، همان گونه که مردانه و غیرتمندانه اجازه نداد خرمشهر از ایران جدا شود، اکنون نیز نه تنها اجازه نخواهد داد بیگانگان بخواهند بخشی را جدا و یا ایران را تجزیه کنند، حتی «اجازه نخواهد داد کسی چشم طمع به ایران داشته باشد». در نتیجه ماحصل تمام این پیام‌ها که منتقل شد این بود که ایران از هیچ یک از مواضع خود عقب‌نشینی نکرده و نمی‌کند. یعنی توقف غنی‌سازی در ایران و خارج کردن اورانیوم غنی شده موجود، و موضوع موشکی و منطقه‌ای قابل مذاکره نیستند و همه دنیا هم که چشمشان به عمان دوخته شده بود، دیدند که ایران اجازه نداد هیچ کدام از این مؤلفه‌های قدرت ملت ایران روی میز متزلزل «مذاکره بازی» قرار گیرد. چراکه آمریکایی‌ها به این ادراک رسیدند که با جنگ و آشوب نتوانستند ایران را وادار به تسلیم و عقب‌نشینی از مؤلفه‌های قدرت خود کنند، حال چگونه با تهدید جنگ می‌توانند به نتیجه برسند؟!

۲- با همین گزاره که «ایران نه با جنگ و نه با تهدید جنگ تســـلیم نشـــد»، باید یقین کرد که به جای «غنی‌سازی صفر» نتیجه مذاکرات کنونی نیز صفر است حتی اگر فرمانده سنتکام را هم به عمان بیاورند. به همین دلیل می‌گوییم «مذاکره بازی» است نه مذاکره واقعی. چون به فرمایش رهبری «نباید تجربه‌ها را فراموش کنیم؛ مذاکره با آمریکا، هیـــچ کمکـــی به منافع ملی ما نمی‌کند و هیچ ضرری را از ما دفع نمی‌کند»!. نکته اول این فرمایش این است که «هیچ کمکی به منافع ملی ما نمی‌کند». این همه اخبار ضد و نقیض و هیاهوهای رسانه‌ای و شایعات و تاییدها و تکذیب‌ها و جنگ روانی و شناختی که به راه انداخته‌اند، خود به خوبی گویای این است که این مذاکرات، همچون مذاکرات گذشـــته، از مذاکرات دولت اصلاحات در سال‌های ۸۲-۸۳ با پذیرش پروتکل الحاقی و توقف غنی‌سازی در کاخ سعدآباد تا مذاکرات برجام و تعطیلی صنعت هسته‌ای کشور در لوزان و ژنو در دولت حســـن روحانی و تا مذاکرات خرداد ماه گذشته در عمان نتیجه‌ای برای ملت ایران دربر نخواهد داشـــت و اهداف هرگونه ادعای مذاکره‌ای از سوی آمریکا، تحمیل خواسته‌های نامشروع از پیش تعیین شده خود است که یک روز از سوی پمپئو وزیر خارجه ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری‌اش در سایه فشار و تحریم حداکثری فضاسازی می‌شد و امروز توسط خود ترامپ در سایه تهدید و جنگ گنده‌گویی می‌شود! نکته دوم و مهم فرمایش رهبری در شرایط کنونی با توجه به تجربه‌های تلخ گذشته این است که «هیچ ضرری را از ما دفع نمی‌کند». این یعنی این مذاکرات هم تهدید جنگ را برطرف نمی‌کند و همان‌گونه که دور قبل وسط مذاکرات، وسط میز مذاکره را با موشک زدند، اکنون نیز باید تمام محاســـبات و آمادگی‌ها بر مبنای وقوع جنگ باشد. لحظه‌ای نباید غافل بود و تنها چیزی که اگر بنا باشد از جنگ جلوگیری کند، همان تهدید معتبر «جنگ منطقه‌ای» و دست به ماشه بودن برای شروع آن است، و تنها سیاستی هم که موجب شکســـت آمریکا در صورت وقوع هر جنگی می‌شود، اعمال بلادرنگ و برق‌آسا و قدرتمندانه «تهدید جنگ منطقه‌ای» است. نکته سوم: «نباید تجربه‌ها را فراموش کنیم». هیچ شـــکی نباید کرد که آمریکا در پس این مذاکرات هم در حال آماده شـــدن برای جنگ است، همان‌گونه که در پس مذاکرات دور پنجم، جنگ ۱۲ روزه را طراحی کرد و همان‌گونه که با وعده عدم حمله به بیروت توسط هوکشتاین، به لبنان حمله و فؤاد شکر را ترور کرد و در پس ابلاغ پیشنهاد آتش‌بس۲۱روزه، نقشه سیدحسن نصرالله را طراحی کرد و با وعده‌های دروغین مذاکره و آتش‌بس محمد سنوار و دیگران را به شهادت رساند، و با اطمینان دادن به قطری‌ها درخصوص نشست اعضای دفتر سیاسی حماس، به این نشست در دوحه حمله کردند!

۳- خطای بزرگی که آمریکایی‌ها دچار آن شدند این بود که مذاکره را با تسلیم یکی کردند. امّا پس از جنگ ۱۲روزه و جنگ تروریســـتی شهری و تهدیدات کنونی ترامپ، «تهدید جنگ منطقه‌ای» و مقاومت در میدان خلیج‌فارس بود که مذاکره و تسلیم را از هم جدا کرد و نشـــان داد که ایران نه در میدان و نه در دیپلماســـی تسلیم نخواهد شد. به فرمایش رهبری «آمریکایی‌ها به دوستان خودشان هم خیانت می‌کنند؛ به طور قطع یک چنین دولتی درخور آن نیســـت که دولتی مثل جمهوری اسلامی، به دنبال ارتباط و همکاری با او باشد». لذا در شرایط کنونی نه مذاکره تعیین‌کننده است و نه تهدیدات ترامپ، بلکه مردم تعیین‌کننده نتیجه هستند. مردمی که در آمریکا هر روز در اعتراض به سیاست‌های جنگ‌طلبانه ترامپ و اوضاع اقتصادی و کشته شدن مردم به دست پلیس تظاهرات میلیونی برگزار می‌کنند، اگر هر روز تحویل گرفتن اجساد سربازان آمریکایی هم به درد و رنجشان اضافه شود، مثل پایان جنگ ویتنام تعیین‌کننده خواهند بود. و مردمی که در ایران در حمایت از سیاست‌های حکیمانه رهبرشان و دفاع از سرزمین‌شان همچون دفاع مقدس هشت ساله و جنگ۱۲ روزه و جنگ تروریستی اخیر آماده فداکاری هستند: «ملّت ایران در این جنگ تحمیلی اخیر کار بزرگی انجام داد؛ اینکه یک ملّت، یک کشور، یک نیروی نظامی در یک کشور، آماده است با قدرت آمریکا و سگ زنجیری‌اش در منطقه رژیم صهیونی، سینه‌به‌سینه و روبه‌رو بشود، یک ارزش بسیاربسیار مهمّی است. ملّت از آمریکا نمی‌ترسد بلکه او را می‌ترساند و آنچه هم از دستش برمی‌آید، از لحاظ عملیّاتی انجام می‌دهد... مذاکره با آمریکا بن‌بســـت محض است. ملّت ایران هم در مقابل جنگ تحمیلی و هم در مقابل صلح تحمیلی محکم می‌ایستد».

دکتر محمدحسین محترم

رئیس قوه قضائیه:

اغماض و مماشات با مجرم، عین بی‌عدالتی است

رئیس قوه قضائیه گفت: آن‌جایی که باید مجرمی را به سزای اعمالش برسانیم، اما اغماض و چشم‌پوشی به خرج دهیم، عین بی‌عدالتی است.

بـــه گـــزارش مرکز رســـانه قـــوه قضائیه، حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای، در دیدار با اعضای ستاد گرامیداشت چهل وهفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، اظهار داشت: با همه توطئه‌هایی که طی ۴۷ سال اخیر طواغیت، شیاطین، مستکبران و جنود ابلیس طرح‌ریزی و اجرا کرده‌اند، اما انقلاب اســـلامی همچنان پاینده و بالنده است و به سمت اهداف مقدس خود حرکت شتابان دارد.

محسنی اژه‌ای با برشمردن و تشریح اهداف مقدس انقلاب اسلامی از جمله خروج مردم از ظلمات و برقراری عدالت همه‌جانبه، بیان داشت: طی ۴۷ ســـال اخیر در نظام جمهوری اسلامی ایران، قدم‌های بلندی برای توســـعه عدالت در همه شئون و ابعاد برداشته شده است؛ در ساحت مرتبط با قوه قضائیه نیز از همان فردای پیروزی انقلاب اسلامی تلاش همه‌جانبه‌ای صورت گرفت تا اموال عمومی و بیت‌المال که توسط طواغیت و منســـوبان طاغوت به یغما برده شده بودند، بازســـتانده شوند؛ منابع، معادن، اراضی و حتی آب‌های این مملکت که متعلق به عموم مردم است، توســـط طواغیت و منسوبان به طاغوت، تملک و چپاول شده بود؛ این دارایی‌ها پس از انقلاب به مردم بازگشـــت و در خدمت مردم و محرومین و مستضعفین قرار گرفت.

وی افزود: اکنون نیز تمام همت ما مصروف و معطوف به آن است تا همه کسانی که فساد می‌کنند و متجاسر و متجاوز به اموال عمومی و منابع طبیعی و ملی هستند را مجازات کنیم و اموال به یغما رفته توســـط آنان را بازستانیم؛ در واقع، هدف انقلاب اسلامی که همان مقابله بـــا طواغیت و گردن‌کشـــان و برقراری عدالت همه‌جانبه است را فراموش نکرده‌ایم و در این صراط مستقیم گام برمی‌داریم.

از نقد، گله و توبیخ استقبال می‌کنم

رئیس دســـتگاه قضا با اشـــاره به ضرورت اتخاذ هرچه بیشتر راهکارهای مرتبط با تحقق و بســـط عدالـــت، تصریح کرد: بـــا وجود تمام تلاش‌ها و مســـاعی صورت گرفته برای تحقق و توسعه عدالت طی ۴۷ سال اخیر، باید اذعان کنیم که تا برقراری آن عدالت واقعی که مورد انتظار اســـلام عزیز و امامیـــن انقلاب و مردم گرانقدر اســـت، فاصله داریم. از همین‌رو همه ما کارگزاران نظـــام موظفیم همت خود را در راستای عدالت‌ورزی و بســـط عدالت در همه ابعاد از جمله ابعاد اقتصادی و معیشـــتی مردم مضاعف گردانیم و در این مسیر پذیرای نقدها، گلایه‌ها و حتی توبیخ‌ها نیز باشـــیم. من نیز به سهم خود برای پذیرش نقدها و گلایه‌ها آغوش باز دارم و از نقدها و ارشـــادات همه نخبگان و مردم در راستای کاربرد راهکارهای عدالت‌ورزانه، استقبال می‌کنم.

محســـنی اژه‌ای با اشـــاره به مقوله بسط عدالـــت در حوزه مجـــازات مجرمین و اصلاح آنـــان نیز گریزی زد و گفت: در ابعاد کیفری و جزایی، عدالت بدان معناست که با متجاسرین و متجاوزیـــن به جان و مـــال مردم، هیچ‌گونه مماشات و مسامحه‌ای نکنیم؛ آنجایی که باید مجرمی را به سزای اعمالش برسانیم، اما اغماض و چشم‌پوشـــی به خرج دهیم، عین بی‌عدالتی است؛ ایضاً آنجایی که باید دست فریب‌خورده‌ای را بگیریم و کمک کنیم تا جبران مافات کند و به آغوش اجتماع برگردد، اما دریغ ورزیم نیز از دایره عدالت خارج شده‌ایم.

با رفتارمان به اعتماد و اعتقاد مردم خدشه وارد نکنیم

وی در ادامـــه با تشـــریح وظایف و تکالیف مســـئولان و کارگزاران در حوزه بسط عدالت اظهار داشـــت: عدالت و عدالـــت‌ورزی باید در ســـبک زندگی و زیســـت همه ما مسئولان و کارگزاران، نمود و تجلی داشته باشد؛ نمی‌شود کسی از عدالت بگوید، اما در زندگی‌اش متعهد و ملتزم به لوازم عدالت و عدالت‌ورزی نباشـــد؛ نکنـــد رفتار و کردار و زیســـت مـــا به‌گونه‌ای باشـــد که در اعتقاد و اعتماد مردم خدشه وارد کنـــد؛ مردم بیش از آنکه به ســـخنان ما توجه کنند، نوع رفتار و زیســـت مـــا را مدنظر قرار می‌دهند.

رئیس قوه قضائیه بیان داشت: قطعاً باید آنچه انجام شده و در زمره دستاوردها است را تبیین و تبلیغ کرد، اما مهم‌تر از آن، این اســـت که به کارهای انجام نشده، توجه کنیم؛ چنانچه غفلت کنیم از آنچـــه باید انجام می‌دادیم و نداده‌ایم، مستحق مواخذه هستیم. اگر ما مسئولان قضائی، حکمرانی قضائی موردنظر اسلام و امامین انقلاب و مردم را تحقق نبخشیده‌ایم، باید جهاد و همت بیشتر و مضاعف به خرج دهیم؛ در سایر عرصه‌ها و حوزه‌ها نیز کلیه مسئولان و کارگزاران باید به ایـــن مهم توجه و اهتمام کنند و غفلت نورزند از وظایف و تکالیفی که بر زمین مانده است.

تایمز اسرائیل:

ایران، پیروز دور اول مذاکرات بود

روزنامه تایمز اسرائیل در گزارشی نوشت که دور اخیر مذاکرات دیپلماتیک میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران با دستاورد برای تهران به پایان رسید.

آمریکا با شکســـت در جنگ ۱۲ روزه و جنگ تروریســـتی اخیر ناچار شده با دستورکار و شروط تهـــران یعنی تمرکز صرف بر پرونده هســـته‌ای و احترام به خطوط قرمز دفاعی و منطقه‌ای، پای میز مذاکره بنشیند. این تحول نشانه برتری راهبردی ایران در بازی میان فشار و مذاکره و گواهی است بر این‌که جمهوری اسلامی توانسته از قدرت سخت و نرم خود و اقتدار همه‌جانبه در ترکیبی هماهنگ بهره گیرد تا نظام تصمیم‌ســـازی آمریکا به موضع انفعال بکشاند.

در همین شرایط، کسنیا سوتلووا، عضو سابق کنست رژیم صهیونیستی و کارشناس روزنامه تایمز اسرائیل، درباره مذاکرات روز جمعه ایران و آمریکا نوشـــت: «دوئل دیپلماتیک بین آمریکا و ایران در راند اول با پیروزی ایران به پایان رسید. تهران موفق شد مذاکرات غیرمستقیم با میانجی‌گری عمان را صرفاً به موضوع هسته‌ای محدود کند و از گنجاندن مسائل حساس دیگر، مانند فعالیت گروه‌های نیابتی منطقه‌ای و برنامه موشـــکی بالستیک، جلوگیری نماید. محـــل برگزاری مذاکرات نیز همان‌طور که ایران خواســـته بود، در عمان و بـــه قالب مدنظر تهران انجام شد».

سوتلووا ادامه داد: «پیش از آغاز مذاکرات، برخی مفســـران و تحلیلگران امنیتی در اسرائیل هشدار داده بودنـــد که احتمال حمله نظامی قریب‌الوقوع وجود دارد. این فضا باعث نگرانی گسترده در میان شهرک‌نشینان صهیونیست شد؛ بسیاری شب‌ها را در پناهگاه‌هـــا گذراندند و گزارش‌هایی از مراجعه برخی اســـرائیلی‌ها به بیمارستان به دلیل حملات عصبی منتشـــر شـــد. با این حال، به نظر می‌رسد دولت دونالـــد ترامپ فعلاً تصمیم گرفته اســـت صبر کند و فرصت دیگری به مســـیر دیپلماتیک بدهد».

او می‌پرســـد: «آیا زیباترین نـــاوگان جهان- تعبیری که ترامپ بارها برای نیروی دریایی آمریکا بـــه کار بـــرده- واقعاً برای یک حمله گســـترده و همه‌جانبه کافی اســـت تا به سرنگونی ایران منجر شود؟» سوتلووا با اشاره به عملیات «طوفان صحرا» در جنگ خلیج‌فارس ۱۹۹۱ یادآور می‌شـــود که برای آزادسازی کویت، ائتلافی بین‌المللی متشکل از نزدیک به یک میلیون سرباز از ۳۵ کشور شکل گرفت، در حالی که اکنون چنین ائتلاف گسترده‌ای علیه ایـــران وجود ندارد و بعید به نظر می‌رســـد تشکیل شود.

به گزارش فارس، او با کنایه به ترامپ می‌نویسد که دستیابی به چنین هدفی نیازمند بسیج بسیار گســـترده‌تر از یک ناوگروه دریایی است، حتی اگر «زیبا» باشد.

در پایان، سوتلووا دو سناریو را بررسی می‌کند: «ترامپ ممکن اســـت به حمـــلات محدود علیه نمادهـــای قـــدرت، چند پایگاه نظامـــی یا برخی تأسیسات هســـته‌ای اکتفا کند، اما چنین اقدامی احتمالاً تهـــران را به هدف نهائـــی (تغییر رژیم) نزدیک نمی‌کند و حتی ممکن اســـت بازدارندگی آمریکا در برابر ایران و دیگر بازیگران منطقه‌ای را تضعیف کند».

عراقچی: اورانیوم از ایران خارج نمی‌شود

خبر دیگر اینکه، سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشـــورمان که به‌منظور شرکت در مجمع الجزیره به قطر ســـفر کرده اســـت، در گفت‌وگو با شبکه الجزیره درخصوص مذاکرات روز شنبه ایران و آمریکا در مسقط گفت: مذاکرات با واشنگتن شروع خوبی بود و راه طولانی برای ایجاد اعتماد داریم.

وی تأکید کرد: مذاکرات با واشنگتن غیرمستقیم است و فقط به موضوع هسته‌ای می‌پردازد.

غنی‌سازی حق مسلم ماست و باید ادامه یابد

وزیر امور خارجه کشـــورمان با تأکید بر اینکه «غنی‌ســـازی حق مسلم ماست و باید ادامه یابد»، اظهار داشـــت: حتی بـــا بمباران هم نتوانســـتند توانمندی‌های ما را نابود کنند. غنی‌ســـازی صفر درصـــد از محدوده مذاکرات خارج اســـت. میزان غنی‌سازی به نیاز ما بستگی دارد و اورانیوم غنی‌شده از ایران خارج نمی‌شود.

وی افزود: صنعت موشـــکی هیـــچ وقت قابل مذاکره نیست، زیرا یک موضوع دفاعی است.

به گزارش تسنیم، عراقچی همچنین گفت: در زمان حاضر هیچ تاریخ مشـــخصی برای دور دوم مذاکرات تعیین نشـــده اســـت، اما ما و واشنگتن معتقدیم که این نشست باید به‌زودی برگزار شود.

وی گفت: احتمال جنگ همیشـــه وجود دارد و ما برای آن و برای جلوگیری از جنگ آماده‌ایم.

وزیر امور خارجه کشـــورمان اضافه کرد: ایران به کشـــورهای همســـایه حمله نمی‌کند، بلکه به پایگاه‌هـــای آمریکایی موجود در داخل آنها حمله می‌کنـــد و بین این دو تفـــاوت زیادی وجود دارد. در صورت حمله واشنگتن، ما نمی‌توانیم به خاک آمریکا حمله کنیم اما به پایگاه‌های آن در منطقه حمله خواهیم کرد.

المیادین: ایران چگونه قواعد بازی را بر آمریکا تحمیل کرد؟

در همین فضا، وبگاه شبکه المیادین با انتشار یادداشـــتی به قلم هبهٔ دهینی در این باره که چرا ایران خواهان محدود کـــردن گفت‌وگوها به یک محور خاص یعنی پرونده هسته‌ای است؟ نوشت: ایران، پس از جنگ ۱۲ روزه، که توانست طی آن به بازسازی و تقویت توان نظامی خود بپردازد، در برابر تهدیدات واشنگتن ایستاد و به‌صراحت اعلام کرد: فقط درباره برنامه هسته‌ای مذاکره می‌کنیم. پرســـش این است که تهران به کدام پشتوانه اتکا کرده که توانسته چنین شرطی را بر روند مذاکره تحمیل کند؟».

آمریکا درباره پرونده‌ای مذاکره می‌کند که مدعی نابودی آن در جنگ ۱۲ روزه بود

به باور نویسنده، شاید عجیب به نظر برسد که جنگی تحمیلی برای ایران، برایش به نقطه قوتی بدل شـــده باشد تا بتواند با دست بالا در مذاکرات حاضر شود؛ اما پس از ژوئن ۲۰۲۵، تهران دریافت که مجموعه توانمندی‌های هســـته‌ای، سیاســـی و نظامـــی خود، همـــراه با پشـــتوانه منطقه‌ای و استراتژیک، به او این امکان را می‌دهد که چارچوب گفت‌وگو را خودش تعیین کند و اجازه ندهد پرونده هســـته‌ای با موضوعاتی مانند برنامه موشـــکی یا سیاست‌های منطقه‌ای و حمایتش از جنبش‌های مقاومت پیوند بخورد؛ اموری که از منظرش کاملاً داخلی و مربوط به حاکمیت ملی است.

نویسنده ادامه می‌دهد: بنابراین، جنگ ۱۲ روزه، تـــوازن قدرت بین دو طرف را تغییر داد. در اینجا، ما به قدرت نظامی اشاره نمی‌کنیم، بلکه به قدرت تحمیل شرایط و تأثیرگذاری بر توازن قدرت اشاره می‌کنیم، که به نقطه‌ای منجر می‌شود که ایران از باز کردن پرونده‌های حاکمیتی خود به کاخ سفید خودداری می‌کند و فقط درباره آنچه که می‌خواهد مذاکره کند، سخن می‌گوید.

این امر عملاً مسئله هسته‌ای را به محور اصلی مذاکرات مسقط تبدیل کرد. لذا کار به جایی رسید ایالات متحده با ایران بر سر چیزی وارد مذاکره شود که پیش از این به همراه اسرائیل ادعا می‌کرد آن را نابود و حذف کرده است

در ادامه این یادداشت آمده است: «نکته اصلی ماجرا اینجاست: جمهوری اسلامی برنامه هسته‌ای خود را به یـــک ابزار چانه‌زنی مؤثر تبدیل کرده و توانایی خود را برای ایفای نقش کلیدی در مذاکرات غیرمســـتقیم بین‌المللی با واشـــنگتن در مسقط نشان داده است. تهران راهبردی را اتخاذ کرده که واشنگتن را مجبور می‌کند با شرایط ایران پای میز مذاکره بنشیند و فشار نظامی و تحریم‌های اعمال شده بر خود را نادیده بگیرد».

چرا فقط هسته‌ای؟

اصرار ایران بر محدود کردن مذاکرات به پرونده هسته‌ای، در واقع تاکتیکی برای تسهیل روند لغو تحریم‌های آمریکا است.

تهران نمی‌خواهد دایره گفت‌وگوها به مسائل دیگـــر ـ همچـــون روابط بـــا متحدان یـــا برنامه موشکی‌اش ـ گسترش یابد، زیرا این موارد را مسائل داخلی می‌داند.

از این رو، شـــرط ایران این است که هر تعهد هســـته‌ای احتمالی باید مستقیماً به لغو تحریم‌ها گـــره بخورد؛ چراکه عمده ایـــن تحریم‌ها اصلاً به بهانه هسته‌ای وضع شده‌اند. در نتیجه، تهران ابزار فشار واشنگتن را به ابزاری برای مذاکره بر ضد خودِ واشنگتن تبدیل کرده است.

نویســـنده در ادامه تصریـــح می‌کند که این رویکرد تصویری دیپلماتیک از جمهوری اسلامی به نمایش می‌گذارد که اهل گفت‌وگوست و مسیرهای مســـالمت‌آمیز را ترجیح می‌دهد، امری که آمریکا را زیر فشـــار فزاینده جهانی قرار می‌دهد تا بدون تحمیل شروط تازه، پای میز مذاکره بنشیند.

برنامه بالستیک؛ خارج از محدوده مذاکره

پرونده هسته‌ای بخشی از توافق‌های بین‌المللی رســـمی است، اما برنامه موشـــکی ایران جزئی از دکترین دفاعی کشور و مرتبط با امنیت ملی است؛ بنابرایـــن، تهران آن را قابل مذاکره نمی‌داند. ورود این موضوع به گفت‌وگوها می‌تواند مسیر توافق را پیچیده کند، در حالی که محدود کردن مباحث به هسته‌ای، چارچوب مذاکره را منسجم‌تر می‌سازد.

روابط با متحدان؛ خط قرمز دیگر

ایـــران همچنین نمی‌پذیرد کـــه رابطه‌اش با متحدان منطقه‌ای به پرونده‌ای قابل مذاکره تبدیل شـــود. این روابط بخشی از اعتقادات و راهبردهای مشترک با نیروهای ضدسلطه آمریکایی- اسرائیلی به شـــمار می‌آیند، نه ابزار فشار یا معامله سیاسی. بنابراین، طرح چنین موضوعی از نظر تهران دخالت مستقیم در حاکمیتش تلقی می‌شود.

چرا ایران می‌تواند بر شرط خود پافشاری کند؟

فراتر از انتخاب، ایران اکنون توان اجرای چنین سیاستی را دارد. نظام مذاکره در پرونده هسته‌ای اساســـاً بر «تبادل تعهدات مشـــخص و متقابل» استوار است؛ بنابراین هر دو طرف نیازهایی دارند که می‌تواند توازن ایجاد کند. افزون بر این، شکست مکرر تلاش‌های آمریکا برای تغییر نظام در ایران، به‌ویژه پـــس از ناآرامی‌های اخیر، جایگاه تهران را در میز مذاکره تقویت کرده است.

در مجموع، محدود کردن مذاکرات به پرونده هســـته‌ای تنها یک تصمیم تاکتیکی نیست، بلکه «بازآرایی موقعیت قدرت ایران در سطح حاکمیتی و بین‌المللی» است؛ پاسخی مستقیم به نفوذطلبی واشـــنگتن و ابزاری برای تثبیت استقلال سیاسی کشور.

نویســـنده با این اســـتدلال، در خاتمه تاکید می‌کند: «در نهایت، فارغ از این‌که نتیجه مذاکرات مسقط چه باشـــد ـ موفقیت یا شکست ـ واقعیت تغییر نخواهد کرد: جمهوری اسلامی ایران توانسته معادله را به نفع خود بازنویســـی کند و نشان دهد که نه زیر فشـــار می‌رود و نه از مواضع خود کوتاه می‌آید».

واکنش چین به مذاکرات هسته‌ای ایران – آمریکا در مسقط

در همین شـــرایط، «لین جیان» ســـخنگوی وزارت امـــور خارجـــه چیـــن روز جمعه طی یک کنفرانس مطبوعاتی و در پاســـخ به سؤالی درباره مذاکرات هســـته‌ای آمریکا و ایران اظهار داشـــت: چین همواره در مورد این مســـائل با همه طرف‌ها در ارتباط بـــوده و ما امیدواریم دو طرف از طریق گفت‌وگو اختلافات خود را حل کنند و با هم برای حفظ صلح و ثبات منطقه بکوشند.

دستیار وزیر خارجه چین نیز در دیدار با «کاظم غریب‌آبادی» معاون امور حقوقی و بین‌الملل وزیر امـــور خارجه ایران، بار دیگـــر از حق تهران برای اســـتفاده صلح‌آمیز از انرژی هســـته‌ای حمایت و بر لزوم حل‌وفصل سیاســـی و دیپلماتیک پرونده هسته‌ای ایران تأکید کرد.

به گزارش تسنیم به نقل از رسانه‌های چینی، «لیـــو بین» در دیدار با کاظـــم غریب‌آبادی که به چین سفر کرده، گفت: چین همواره از حل‌وفصل مســـالمت‌آمیز مســـئله هســـته‌ای ایران از مسیر ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک حمایت کرده است.

ترامپ: توافقی که به موضوع هسته‌ای محدود شود قابل قبول است، به این شرط که هیچ سلاح هسته‌ای وجود نداشته باشد

دونالد ترامـــپ، رئیس‌جمهور آمریکا نیز پس از مذاکـــرات میان تهران و واشـــنگتن اظهار کرد: گفت‌وگوهای بســـیار خوبی درباره ایـــران انجام شده است.

بـــه گزارش انتخاب، ترامپ با بیان اینکه دفعه قبل آنها تصمیم گرفتند که توافق نکنند، اما احتمالا این بار متفاوت است، گفت: باید ببینیم، نسبت به دفعه قبل متفاوت خواهد بود. برای توافق با ایران وقت کافی داریم.

او افزود: ایران به ســـلاح هســـته‌ای دسترسی نخواهد داشت. آنچه لازم است با ایران از ابتدا اتفاق بیفتد نداشتن سلاح هسته‌ای است.

ترامپ ادامه داد: با توجه به «نتایجی که امروز با ایران داشتیم، قرار است اوایل هفته آینده دوباره دیدار کنیم. آنها می‌خواهند به توافق برسند. ایران، همان‌طور که باید هم بخواهد، می‌خواهد به توافق برسد. آنها پیامدهای نرسیدن به توافق را می‌دانند. اگر به توافق نرسند، پیامدها بسیار شدید و سنگین خواهد بود. بنابراین خواهیم دید چه اتفاقی می‌افتد. خواهیم دید که همه چیز چگونه پیش می‌رود.

ادعـــای ترامپ اعترافی تلویحی به شکســـت همه ابزارهای فشـــار اوســـت. از جنـــگ ۱۲روزه، تحریم‌های به اصطلاح فلج‌کننده تا حمایت تمام عیار اغتشاشات داخلی هیچ‌یک نتوانسته‌اند اراده راهبردی ایـــران را تضعیف کنند. وقتی او پس از شکســـت در جنـــگ ۱۲ روزه و ناکامی پروژه‌های تروریستی به میز مذاکره بازمی‌گردد، یعنی پذیرفته است که توازن قدرت تغییر کرده و راه تهدید دیگر نتیجـــه‌ای ندارد. عقب‌نشـــینی تاکتیکی در قالب «مذاکره» پوششی برای حفظ آبرو پس از شکست سنگین در صحنه میدانی بود.

ترامپ تلاش دارد با زبان تهدید نشان دهد هنوز قدرت اعمال فشـــار دارد، اما واقعیت این است که معادلات منطقه‌ای دیگر حول آمریکا نمی‌چرخد. محور مقاومت بـــا حمایت ایران نه‌تنها جنگ‌های تحمیلی را دفع کرده بلکه هزینه‌های سیاســـی و نظامی ســـنگینی به آمریکا و متحدانش تحمیل نموده است. تهدید به «پیامدهای شدید» سخنی توخالی اســـت وقتی خود او از ترس شعله‌ور شدن یک جنگ منطقه‌ای، به گفت‌وگو پناه برده است. این چرخش از تهدید به التماس گفت‌وگو نشـــان می‌دهد که ایران امروز طرف تصمیم‌گیر در میدان است، نه طرف تحت‌فشار. در نتیجه، ترامپ دیگر در موقعیت تهدید نیست بلکه در وضعیت ناچار به تعامل قر